

Cognitive and Ethical Requirements for Educating the Future Generation with Emphasis on the Thought of the Supreme Leader

Khadijeh Ahmadi Bighash¹ , Saeid Karami²

¹ Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). kh.ahmadi@modares.ac.ir

² PhD., Department of Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
saeidkarami1362@yahoo.com

Abstract

Among the various activities and events of human life, education occupies the highest rank and constitutes the foundation of any desirable and rational endeavor. If a person possesses extensive knowledge and information but has not been properly educated, that very knowledge will lead to his degeneration. Education, which actualizes the latent potentials inherent in human nature, is influenced in its type and method of implementation by the dominant intellectual and practical school governing society. The present study seeks to answer the question of how the educational requirements for the future generation are addressed in the thought of Ayatollah Khamenei. A descriptive-analytical examination of this issue reveals that Ayatollah Khamenei, while considering the education of the future generation based on Qur'anic verses and the traditions of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) to require attention to both individual and social dimensions, obliges the educational and cultural authorities of the Islamic society to revive and expand it. He identifies these requirements in cognitive terms as intellectual reasoning, dignified religious-national identity, and faith and religiosity; and in behavioral terms as courtesy, tolerance of dissent, social solidarity, and reform of the consumption pattern. He deems it incumbent upon educational authorities to cultivate these qualities in the future generation to advance and elevate society and to realize the new Islamic civilization, dedicating their efforts to nurturing self-made and society-building individuals.

Keywords: Education, Ethical Requirements, Ayatollah Khamenei.

Received: 2023/11/18 ; **Revision:** 2024/01/06 ; **Accepted:** 2024/02/04 ; **Published online:** 2024/04/08

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors



الزامات شناختی و اخلاقی تربیت نسل آینده با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری

خدیجه احمدی بیغش^۱، سعید کرمی^۲

^۱ استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

kh.ahmadi@modares.ac.ir

^۲ دکتری، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. saeidkarami1362@yahoo.com

چکیده

در میان فعالیت‌ها و رویدادهای مختلف زندگی، کار تعلیم و تربیت در رأس همه آنها قرار دارد و اساس فعالیت مطلوب و منطقی را تشکیل می‌دهد. اگر انسان از دانش و اطلاعات زیادی برخوردار باشد، ولی به نحو درستی تربیت نشده باشد، همان دانش، به انحطاط او منجر می‌شود. تربیت که موجب فعلیت یافتن استعدادها و نهفته در نهاد انسان است، در نوع و شیوه اجرا متأثر از مکتب فکری و عملی حاکم بر جامعه خواهد بود. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که الزامات تربیتی نسل آینده در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه مطرح شده است. بررسی توصیفی-تحلیلی این مسأله نشان می‌دهد آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر آنکه تربیت نسل آینده مبتنی بر آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع) را نیازمند دقت در ابعاد فردی و اجتماعی دانسته، متولیان آموزشی و فرهنگی جامعه اسلامی را به احیاء و گسترش آن ملزم نموده است. ایشان این الزامات را به لحاظ شناختی شامل اندیشه‌ورزی، هویت باعزت دینی ملی، و ایمان و تدین دانسته، و در زمینه رفتاری نیز ادب، تحمل مخالف، تکافل اجتماعی، اصلاح الگوی مصرف را برشمرده است. وی بر متولیان تعلیم و تربیت فرض می‌داند که به منظور پیشرفت و تعالی جامعه و تحقق تمدن نوین اسلامی، این ویژگی‌ها را در نسل آینده پرورش داده، و در تربیت افرادی خودساخته و جامعه ساز همت گمارند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، الزامات اخلاقی، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. مقدمه

نیروی انسانی کارآمد و متعهد به اصول و آرمان‌های یک جامعه، مهم‌ترین سرمایه و عامل اقتدار و اثرگذاری آن بر سایر جوامع به‌شمار می‌رود. دستیابی به چنین قوایی در گرو تعلیم و تربیت است. تربیت به معنای به فعلیت رساندن و پرورش استعدادهای نهفته در وجود انسان، در نوع و روش، متأثر از مکتب فکری و عملی حاکم بر جامعه است. نظر به تفاوت ایدئولوژیکی اسلام با سایر مکاتب و با توجه به جامعیت تعلیم اسلام، که تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان است، تربیت نسل آینده باید بر مبنای آموزه‌های وحیانی و تعلیم پیشوایان دینی (ع) باشد. تربیت انسان امری بسیار مهم است که در ساحت‌های بینش، گرایش و رفتار بشر صورت می‌گیرد. نخستین مربی و رب مطلق، خداوند متعال است که قرآن کریم را، به عنوان کتاب تربیت و هدایت بشر به کمال مطلوب، نازل نموده و بعثت انبیاء و امامت ائمه (ع) را بر این مبنا قرار داده که انسان‌ها با شکوفایی استعدادهای درونی و عمل به مقتضای فطرت الهی‌شان، به سعادت دنیوی و اخروی نائل گردند. امروزه با گسترش روزافزون ابزارهای ارتباط جمعی و با تلاش استکبار جهانی در یکسان‌سازی فرهنگ‌ها، به منظور تحقق اهداف نظام سلطه؛ اقشار گوناگون با حجم وسیع از آموزه‌های خلاف عقل و فطرت بشری مواجه‌اند؛ تمدن غربی که مبتنی بر فردگرایی، حاکمیت ارزش‌های مادی و لذت‌جویی افسارگسیخته است، حتی فرهنگ جوامع اسلامی را متأثر ساخته است. در چنین شرایطی، بیشترین تهدید، متوجه کودکان و نوجوانان است که در مراحل تکوین شخصیت هستند. اگر متولیان آموزش و پرورش از تربیت صحیح آنها غفلت نمایند، هویت جامعه اسلامی دگرگون خواهد شد.

باید دید از منظر اسلام، پرورش چه ویژگی‌هایی در نسل آینده، نه تنها از آنان افرادی خودساخته، که شخصیت‌هایی گستراننده اندیشه و سلوک دینی و زمینه‌ساز تمدن اسلامی خواهد ساخت؟ برخی ویژگی‌های تربیتی در تعلیم دینی، نقشی اساسی‌تر در هدایت فرد و جامعه به سوی صلاح و آرمان‌های الهی دارند. در واقع، رشد و پیشرفت فردی-اجتماعی در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی و...، منوط به تربیت افراد بر مبنای چنین شاخصه‌هایی است.

مقام معظم رهبری با ذکر این ویژگی‌ها، تحت عنوان ویژگی‌های عمل‌ساز در تربیت نسل آینده، تولید و احیای این خصایص در دانش‌آموزان را از متولیان آموزش و پرورش کشور خواستار شد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱۲/۱۳). آنچه در بیانات مذکور مدنظر ایشان قرار گرفته، اهمّ ویژگی‌های مورد تأکید اسلام بوده و دستیابی به مابقی نیز در گرو تحقق این ویژگی‌ها است. از جمله آنها تحمل مخالف است. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضْنَا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹). قرآن کریم، نرم‌خویی و تحمل‌پذیری پیامبر (ص) در

برابر مخالفین را خصلت بارز و اثرگذار ایشان در جذب اقشار گوناگون و جسارت‌ها و مخالفت‌های آنان دانسته و از دلایل اصلی گسترش دامنه اسلام به سایر نقاط و تمایل گروه‌های مختلف فکری و مذهبی به اسلام می‌داند. امام صادق (ع) نیز در رعایت نزاکت و تحمل اهل باطل می‌فرماید: «هنگامی که معاشر و طرف بحث آنان شدید، که گریزی از آن نیست؛ نوع رفتارشان با آنها براساس تقیه، که دستور الهی است، باشد؛ پس اگر به این خاطر [عدم تقیه] رفتارشان شوید؛ به آزارتان بپردازند و در چهره شما مخالفت و بدخواهی را دریابند، و اگر خداوند شَرشان را از سرتان کوتاه ساخته بود، گستاخانه بر شما یورش می‌بردند» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵). طبق مضمون روایت و نیز تاریخ پرافتخار تشیع، تاب‌آوری شیعه در برابر مخالفین که در مواقع حساس‌تر در قالب راهبرد دفاعی تقیه ظاهر شده از عوامل ایمنی شیعیان از ستمگری مخالفان و نیز زمینه‌سازی برای حفظ و نشر اسلام در تنگناها و شرایط دشوار اجتماعی بوده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، الزامات تربیت نسل آینده را با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری در دو بُعد شناختی و اخلاقی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. پیرامون مؤلفه‌های تربیت اسلامی، آثار فراوان نگاشته شده است. ازجمله:

ذوعلم (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان «عناصر و شاخص‌های تربیت اسلامی در قرآن و کارکردهای آن در آموزش و پرورش»، عناصر مهم تربیت اسلامی مورد تأکید قرآن را بررسی کرده است.

کشاوری (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های تربیت دینی از دیدگاه پیامبر (ص)»، شاخصه‌های ده‌گانه تربیت دینی را با توجه به سنت پیامبر (ص) بررسی نموده است.

صدری‌فر (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «شاخص‌ها و اهداف تربیتی انبیاء (ع) در قرآن»، شاخص‌ها و اهداف تربیتی انبیاء از منظر قرآن را برشمرده است.

مطهری (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تعلیم و تربیت در اسلام»، عوامل مؤثر در اصلاح نفس و تربیت اسلامی افراد، با استناد به آیات و روایات را بیان کرده است.

صفایی‌حائری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مسئولیت و سازندگی؛ روش تربیتی اسلام»، نظام تربیتی اسلام را تحت پنج ویژگی: ترکیه، تعلیم، تدبیر، تفکر و تعقل بررسی و نقش آنها در سازندگی فردی و اجتماعی را تشریح نموده است.

پژوهشی که ویژگی‌های تربیتی نسل آینده را از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد.

۲. خصلت‌های عقلانی شناختی نسل آینده

یافته‌های عقل و خرد، وجه تمایز انسان از سایر موجودات هستی است. انسان بدون معرفت به خود،

خدا و جهان هستی، به سعادت حقیقی نخواهد رسید. عقل، وحی و تجربه، ابزار ادراک حقایق فیزیکی و متافیزیکی جهان هستی برای تشکیل جامعه انسانی مطلوب هستند. دستیابی به این خصلت براساس گزاره‌هایی قابل تحقق است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱-۲. اندیشه‌ورزی

تعقل از ماده «عقل» نیروی آماده پذیرش علم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۱)، و نیروی فهم و درک و معرفت انسانی است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۸). عاقل یعنی کسی که نفس خود را حبس نموده و مانع سرایت هواها به آن شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۲۵). بنابر روایت، عقل چیزی است که با آن خداوند بندگی شود و بهشت به دست آید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱). خداوند عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان در دین خود از آن بهره‌مند شود و با آن راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۵). تعقل از باب تفعل به معنای خردمند شدن و یا تظاهر به آن است (جبران، ۱۳۷۹، ص ۴۳۸). همچنین، به معنای نیروی فکر کردن است که فرد استنباط، اجتهاد و رد فرع بر اصل کند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۰). تفکر نیز از ماده «فکر»، به معنای اندیشه و تأمل، برای به دست آوردن واقعیات و عبرت‌ها است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۹۹)؛ نیرویی است که علم را به سوی معلوم برد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۱). حقیقت تفکر مرکب از حرکت به سوی مقدمات هر مطلب، سپس، حرکت از آن مقدمات به سوی نتیجه است که سبب شناخت و معرفت اشیاء خواهد شد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۲۲). تدبر از ماده «دبر» به معنای پشت‌سر و عاقبت چیزی، بررسی نتایج و عواقب کار است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۶۸). پس تفکر، مربوط به بررسی علل و خصوصیات یک موجود بوده؛ اما تدبر مربوط به بررسی عواقب و نتایج آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۸). اندیشه به معنای فکر و گمان (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹)، به کارگیری نیروی فکر و خرد و استعداد عقلانی در حل مسائل و مشکلات بشری است. در میان استعدادهای بشری، استعداد عقلانی در درجه اول اهمیت است (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۳). مقام معظم رهبری علم بدون فکر و تدبر را مشکل ساز و سبب پیمودن راه خطا و موجب بدبختی بشریت، حرکات زیگزاگی، رکود، توقف و عقب‌گرد می‌داند. ایشان، علم را بیانگر واقعیت‌ها و فکر را بیانگر بایدها و نبایدها برشمرده که لازم است در مسیر صحیح مدیریت شود (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۲/۶). خداوند انسان‌ها را به تعقل، تفکر و تدبر در موضوعات گوناگون فراخوانده، همچون: اندیشه در عالم خلقت: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ... يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ...» (آل‌عمران، ۱۹۱-۱۹۰)؛ اندیشه در سرنوشت امت‌ها: «فَأَقْصَصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف، ۱۷۶)؛ «فَسِيرُوا

فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (نحل، ۳۶)؛ اندیشه در خلقت خویشتن: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ» (طارق، ۵)؛ اندیشه در قرآن کریم: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۲)؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴).

مهم‌ترین بُعد نظام تربیتی اسلام، دعوت به اندیشیدن و تعقل است؛ زیرا اساس حیثیت انسانی، برخورداری از حیات طیبه و راهیابی بشر به مقامات عالیّه و سیر و سلوک الی الله و قرب الهی، منوط به تربیت و رشد قوه عاقله بوده، و علم در این زمینه به‌تنهایی کافی نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۵۵). تدبیر، تفکر و تعقل، قدم اول تربیت انسان، و نیازمند مربی و رهبر برای تزکیه، تعلیم و تذکر است (صفایی حائری، ۱۴۰۰، ص ۷۱). عدم تفکر و تعقل مورد مذمت قرآن است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» (انعام، ۵۰)؛ چراکه بی‌فکران غافل از حق از چهارپایان نیز پست‌ترند: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف، ۱۷۹). این افراد فاقد حیات انسانی هستند؛ زیرا ارزش انسان به خردورزی او است و چنین افرادی به تصریح قرآن از بدترین جنبندها می‌شوند: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال، ۲۲). خردمندی و لازمه بندگی خدا تجزیه و تحلیل شنیده‌ها و سنجش خوبی‌ها و بدی‌های آنها و گزینش و پیروی بهترینشان است: «الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷-۱۸). قرآن چنین هدایتی را با اینکه هدایت عقلی است، هدایت الهی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵). لطف الهی و توفیق ایمان، شامل اهل خرد و تعقل می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۶۲۵). علم، ایمان و عمل، مراحل یا مراتب تعقل، بدون هیچ تعارضی هستند (علم‌الهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱-۱۵۸). روایات، عقل را حجت باطنی در کنار حجت ظاهری، یعنی انبیاء و ائمه (ع) برشمرده‌اند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۴). انبیاء الهی مأمور شدند با مردم به‌اندازه عقل آنان سخن بگویند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۶۸). تأکید بر توجه به خرد مخاطبان، بیانگر تأثیر استفاده از این قوا در همراهمسازی مردم با مصلحان اجتماعی است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اندیشه و فکر، به‌سوی نیکی و عمل به آن فرامی‌خواند» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۲۵). هرچه اندیشه‌ها بیشتر تقویت شوند، حق در جامعه گسترده‌تر می‌شود. حضرت درباره عمل‌ساز بودن فکر انسان نیز فرمودند: «خردها راهبران اندیشه‌ها، و اندیشه‌ها راهبران دل‌ها، و دل‌ها راهبران حس‌ها، و حس‌ها راهبران اندام‌ها هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۶). امام صادق (ع) می‌فرماید: «دل خود را با تفکر بیدار ساز» (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۲۹). با تفکر، انسان به شناخت هستی و دنیا و الله و روش زندگی و مرگ پی می‌برد و با تفکر، استعدادها و سرمایه‌های انسان مشخص می‌گردد (صفایی حائری، ۱۴۰۰، ص ۱۴۸). بنابراین، حرکت انسان به‌سوی خیر و صلاح و جریان یافتن حق در جامعه منوط به خردورزی

است. پرورش بُعد عقلانی و شکوفا ساختن استعداد منطق و استدلال از مهم‌ترین ابعاد تربیت است (مهری‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲). شدت و ضعف رشد عقلی و فعلیت استعدادها در جهت مطلوب خاص، بستگی به شدت و ضعف تعلیم و تربیت دارد (امین‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۷۱). تعقل و تفکری که در سایه تربیت معنوی صورت پذیرد، راه و امکان انتخاب درست را نشان می‌دهد و از تقلید کورکورانه جلوگیری می‌کند (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵). داشتن جامعه‌ای متعالی که در آن، تعلیم قرآنی مبنای رفتار افراد باشد، در گرو تربیت انسان‌های خردمند و اندیشه‌ورز است که به هستی با نگاه توحیدی می‌نگرند.

۲-۲. هویت عزتمند

هویت به معنای شخصیت انسانی (مجتهدزاده، ۱۳۷۷، ص ۶۷)، و امری اجتماعی است که موجب افتراق میان افراد می‌شود. شکل‌گیری احساس هویت فردی، از طریق تعاملات و تضادهای میان فرد و جامعه صورت می‌گیرد (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۷۵). هویت ملی، مجموعه ویژگی‌های افراد یک ملت و حلقه ارتباطی میان هویت‌های محلی و فراملی، و متمایزکننده افراد ملت‌ها از یکدیگر است (جوادزاده، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴). هدف هویت دینی، ایجاد تصویری روشن در ذهن شخص است که احساس مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای دین و اصول مذهبی ایجاد کند (شرقی، ۱۳۸۵، ص ۸۵). از دیدگاه مقام معظم رهبری، نسل آینده باید دارای هویت مستقل در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و فاقد روحیه وابستگی و تکیه به دیگران باشد. ایشان نسل خودساخته با هویت ایرانی-اسلامی محکم و عمیق که دلباخته بازمانده‌های تمدن منسوخ شرق و غرب نباشد را عاملین اصلی تمدن‌سازی اسلامی می‌داند (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۲/۲۱). قرآن، زندگی اجتماعی را دارای نوعی حیات می‌داند و به آن اهمیت زیادی می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۱)؛ زیرا محیط اجتماعی، عاملی مهم در تکوین خصوصیات روحی و اخلاقی انسان است. زبان انسان، آداب اجتماعی، دین و مذهب، غالباً همان‌چیزی است که محیط اجتماعی بر انسان تحمیل می‌کند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۷۱). هویت و خودآگاهی ملی در صورتی متضمن اخلاق‌مداری است، که در پیوند با عناصر ایمان به خدا، استقلال و عزت باشد. ایمان در رأس فطریات و ارزش‌های اصیل انسانی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۷۷). اگر روح ایمان در جامعه باشد، دل‌ها حول محور توحید یکپارچه شده، و این وحدت، عامل اقتدار و پیشرفت جامعه خواهد شد. عزت، قوت و توانایی در مقابل ذلت (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۳۸)، حالتی است که مانع مغلوب شدن انسان (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۳)، و احساس شرافت است (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱). قرآن کریم، عزت را در دستان خدا و منحصر به مؤمنان می‌داند: «مَنْ كَانَ يَرْيِدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر، ۱۰)؛

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (نساء، ۱۳۹). حتی عزت ظاهری و دنیایی نیز در دست خداوند است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۴۰). اهمیت عزت نفس به گونه ای است که مؤمنان، مجاز نیستند برای رفع نیازهایشان عزت خویش را پایمال کنند. پیامبر (ص) فرمود: «حوائج خویش را با عزت نفس بجوئید؛ زیرا کارها جریان مقدر دارد» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸). اگر فرد، با عزت تربیت شود، به حالتی دست می یابد که پیوسته راست و استوار باشد (مهری نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۸). اگر انسان به کرامت ذاتی خود توجه کند و به آن بها دهد، در سایه آن کرامات اکتسابی را هم به دست می آورد (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰-۱۳۷). جامعه ای که از خط الهی خارج شده، خود را باور نمی کند و خفت پذیر می شود. خودباختگی و تهی شدن از هویت، سبب تسلیم شدن آن در برابر طاغوت ها است (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۶۴). اگر ملتی دارای هویت ایمانی و اصول و ارزش های متعالی، آداب علمی و فرهنگی افتخارآمیز است، باید آن را پاس بدارد (رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱)، حبّ چنین سرزمینی، مورد ستایش اسلام است.

۳-۲. ایمان و تدین

ایمان، به معنای تصدیق است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۹)؛ تصدیق اموری چون وجود و صفات خدا، تصدیق رسولان الهی و کلام الهی بودن کتب آسمانی آنان، بعث از قبور، صراط و میزان و بهشت و دوزخ، و... (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۰۵). مراد از ایمان، ایمان به خدا، رسولان او و اطاعت ایشان، و ایمان به روز جزا است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۰). اهمیت ایمان و نسبت آن با عقل این است که عقل روشنگر محیط، و ایمان ضامن حکومت اراده برای طی کردن مسیری است که عقل آن را روشن نموده است (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵). دین به معنای طاعت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۷۰). دین واقعیت فردی و اجتماعی در زندگی انسان است و تدین یعنی التزام فرد به دین مورد قبول خویش، در مجموعه ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که حول خداوند است (طالبان، ۱۳۸۰، ص ۴۹). لازمه خارجی و ظهور ایمان، عمل صالح است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲۷، ص ۳۰۱). هرکس به ایمان واقعی دست یافته باشد، در منش و کنش خویش نیک کردار خواهد بود (ذوعلم، ۱۳۸۴ش، ۱۵). ایمان صرفاً یک امر قلبی نیست (خامنه ای، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴-۱۱۲). ایمان باید آگاهانه، تعهدآفرین، زاینده عمل، همیشگی، همه جایی، همگانی، همه جانبه و بدون نفع طلبی و فرصت طلبی باشد. ایمان به خدا و رسالت پیامبر، تعهد می آورد که باید در راه پیامبر حرکت کرد و تا جایی که می شود، همه را بنده خدا کرد (خامنه ای، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴-۱۶۳). سعی کنید بچه ها را با ایمان کنید؛ ایمان به خدا، ایمان به حقیقت مطلق و ایمان به اسلام. اگر این بچه ها با ایمان پرورش پیدا کردند و

شما توانستید بذر ایمان را در دلشان بکارید، در آینده می‌شود از آنها هر شخصیت عظیمی ساخت و برای هرکاری مناسب هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲۳). همچنین، ایشان در جای دیگری بر این مسئله تأکید کرده و فرمودند: تولید یک نسلی با این خصوصیات: دانا باشد، با ایمان باشد، دارای اعتماد به نفس باشد، دارای امید باشد، دارای نشاط باشد، دارای سلامت جسمی و روحی باشد، روشن بین باشد، با اراده باشد، کم هزینه و پرفایده باشد؛ معلّم، نسلی این‌جوری را می‌خواهد تربیت کند؛ اینها چیز کمی نیست. اینکه گفته می‌شود معلّم، کار انبیاء را می‌کند، خب، این یک کلمه حرفی است که ما می‌زنیم؛ برویم در عمق این حرف؛ این حرف یعنی چه؟ «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲) کار انبیاء این است؛ کار انبیاء نجات بشریت است، کار انبیاء ایجاد یک جامعه انسانی برتر و والا تر است؛ این است کار انبیاء؛ می‌گوییم «معلّم، شاغل شغل انبیاء است»، «معلّمی شغل انبیاء است»، عمق این حرف و مغز این حرف این است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۲/۱۶). ایمان و دینداری در حیات معنوی و مادی انسان اثرگذار است. سنت الهی است که افراد بی‌ایمان و فاسد گرفتار انواع واکنش‌ها در زندگی دنیا خواهند شد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف، ۹۶). در منطق قرآن، هرگونه گرایش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نژادی و اقلیمی که در درون انسان سرچشمه‌ای نداشته باشد، پایدار نیست: «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم، ۳۰). در روایات نیز ایمان و عمل دو مقوله به هم پیوسته‌اند؛ بدین معنا که ایمان، با معرفت قلب و اقرار به گفتار، زبان، و عمل در ارکان و اعضا حاصل می‌شود (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹). هر عضو انسان، وظیفه ایمانی خاص خود را دارد. بنابراین، ایمان واقعی یک مقوله عمل‌ساز در جامعه اسلامی محسوب شده، و صرفاً یک گرایش درونی و فردی نبوده، بلکه دارای نمود بیرونی و اجتماعی نیز هست. انسان مؤمن به خدا و متصل به قادر مطلق و متدین و مطیع فرامین الهی، دارای قدرت راهبری بشر شده و می‌تواند زمینه‌ساز هم‌گرایی اجتماعی و عامل جامعه‌سازی و تحول‌آفرینی مثبت در جامعه باشد.

۳. خصلت‌های اخلاق

تربیت، متخلّق شدن به اخلاق الهی و مؤدب شدن به آداب الهی است (امین‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۶۸). اخلاق صالحه، از ایمان به خدا ناشی می‌شود (امین‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶). ادب به معنای حسن خلق (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵)، هنگامی زیبا جلوه می‌کند که اولاً مشروع بوده و منع تحریمی نداشته باشد، ثانیاً عمل اختیاری باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۶۶). لذا، اخلاق از ملکات و اوصاف راسخ در روح است؛ اما آداب هیأت‌های زیبای مختلف است که اعمال صادر شده از انسان بدان متّصف

می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۹، ص ۲۶). هدف اسلام سروسامان دادن به جمیع جهات زندگی انسانی است. لذا، هیچ غایتی برای حیات جز توحید خدای سبحان در مرحله اعتقاد و عمل نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۶۸). خاستگاه ادب، جامعه و خاستگاه اخلاق سرشت و خلقیات ناشی از طبیعت انسان است (کاظمی، ۱۳۹۹، ص ۲۶). مقام معظم رهبری میان ادب فردی و ادب اجتماعی در اسلام و قرآن، نوعی پیوستگی قائل است که ریشه آن خصلت‌های مؤثر اخلاقی در روح انسان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۷۰). اصولاً هر قدر سطح عقل انسان بالاتر می‌رود، بر ادب او افزوده می‌شود؛ زیرا ارزش‌ها و ضدارزش‌ها را بهتر درک می‌کند. به همین دلیل، بی‌ادبی همیشه نشانه بی‌خردی است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۱۴۰). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کسی که ادب ندارد، عقل ندارد» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۸). ایشان خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «به تأدیب تو مبادرت کردم، پیش از آنکه قلبت سخت شود» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). بنابراین، مؤدب بودن به آداب اجتماعی و الهی یکی از عوامل مهم برای کسب منزلت اجتماعی و تأثیرگذاری در محیط پیرامون خویش است.

۳-۱. تحمل مخالف

مقام معظم رهبری معتقد است انسان نباید از وجود مخالف، متعجب و خشمگین و بیمناک شود؛ زیرا نشانه خوش‌بینی زیاد به خویشان و عدم اطمینان به استحکام موضع خود است. هر انسان، فکر و جریان، مخالفانی دارد. این طور نیست که مخالف‌ها خطا می‌کنند، بلکه نقاط ضعفی وجود دارد که موجب مخالفت می‌شود. مخالفت قابل فهم و قبول است. با وجود منطق باید پایه‌های آن را محکم نمود و وارد میدان رقابت گفتمانی شد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۵/۱). انسان‌ها دارای طبیعت‌ها و افکار و ادراکات گوناگون هستند و مخالفت با افکارشان دشمنی را در دل آنان ایجاد می‌کند. برای رسیدن به محبتشان چاره‌ای جز موافقت در غیر موارد گناه نیست (ابن حمید، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۳۳۵۸). تحمل مخالف را در فرهنگ دینی می‌توان مترادف واژه مدارا دانست. مدارا به معنای پرهیز از درگیری با کسی به خاطر شرّ او است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۱)؛ فرد در برابر ناگواری‌هایی که از دیگران به او می‌رسد، تحمل و صبر به خرج دهد (نراقی، ۱۳۷۷ الف، ج ۱، ص ۲۵۱) و با آنان به نرمی و ملایمت و حسن معاشرت رفتار کند (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۲). برخی مراتب خفیف تقیه با مدارا جمع شده، و در برخی روایات، دستور به این دو در کنار هم آمده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۴). تحمل و مدارا و نفی خشونت، یک اصل اسلامی است، در آیات فراوان در مواردی که به تضييع حقوق دیگران و حدود شرعی نینجامد، امر به مدارا، سعه صدر، رأفت و رحمت شده است. قرآن در برخورد با مخالفان، آنان را به بیان دلایل خود

فراخوانده: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۱۱۱)، و اجازه طرح و شنیده شدن اندیشه مخالف را داده و برای قضاوت و تجزیه و تحلیل آن دلیل می‌خواهد. این اقامه دلیل برای گوینده و شنونده، بصیرت‌زا و نمونه‌ای از رویکرد خالق به تحمل‌پذیری محسوب می‌شود (شاه‌محمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۳). پیامبر(ص) مأمور به برخورد به بهترین شیوه با بدی‌های دشمنان بود: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (مؤمنون، ۹۶). این از مؤثرترین روش‌ها برای بیدار کردن غافلان و فریب‌خوردگان است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۳۰۷). قرآن کریم در جایی پیامبر(ص) را اینگونه معرفی می‌کند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ» (آل‌عمران، ۱۵۹). نرمی پیامبر از موجبات دخول افراد در دین است. ایشان با صفات کریم و اخلاق حسن و سجایای نیکو، برهان و دلیل می‌آورد (طبرسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۱۴). در واقع، حلم معصومین(ع) در برابر دلیل‌تراشی‌ها و جسارت‌های مخالفان، از مهم‌ترین عوامل تمایل گروه‌های مختلف فکری و مذهبی به شخصیت پیشوایان دینی و گسترش دامنه اسلام بوده است. از نظر اسلام، تمام مسلمان‌ها در حکم يك خانواده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۱۷۲). مؤمنان، کانونی از عواطف و محبت نسبت به برادران و دوستان و هم‌کیشان، و سدی محکم در مقابل دشمنان هستند؛ نه قهر آنها در برابر دشمن و نه مهر آنها در برابر دوست سبب می‌شود که از جاده حق و عدالت، قدم بیرون نهند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹). پیامبر(ص) فرمود: «با افراد شرور در ظاهر سازگاری کنید تا از شر آنها در امان بمانید؛ اما در رفتارشان از آنان جدایی‌گزینید تا از آنان نباشید» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱). امیرالمؤمنین(ع) خطاب به فرزندان فرمود: «با آن کس که با تو درشتی کرده، نرم باش که امید است به‌زودی در برابر تو نرم شود؛ با دشمن خود با بخشش رفتار کن؛ زیرا سرانجام دو پیروزی است: انتقام گرفتن یا بخشیدن» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). امام حسن عسکری(ع) نیز می‌فرماید: «مدارا با مخالفان سبب جذب آنان به‌سوی ایمان و دور کردن شر آنان از خود و برادران ایمانی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۴۰۱). بنابراین، یکی از هدف‌های تربیتی در اسلام، جامعه‌پذیری متربی است که ابعاد گسترده و با اهمیتی در تعلیم و تربیت اسلامی دارد. تحمل‌پذیری در بحث جامعه‌پذیری به‌ویژه جامعه‌پذیری سیاسی، فرآیندی مستمر است که نتیجه آن، رشد خویش و بلوغ سیاسی است. اگر جامعه بخواهد مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی جامعه را به‌عنوان یک محور اساسی در جهت پیشرفت و اصلاح جامعه بپذیرد، بدون توجه به عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری سیاسی، این کار بیهوده است (شاه‌محمدی، ۱۳۹۱، ص ۸۱). از این‌رو، با توجه به آمادگی روحی کودک و نوجوان در دریافت تعالیم همسو با فطرت، می‌بایست خصلت تحمل مخالف و رفتار به‌دور از خشونت‌طلبی، در برابر عقاید و اعمال ناصواب، از کودکی در آنان پایه‌ریزی شود؛ زیرا تربیت مبتنی بر این اصل، عامل

وحدت طیف‌های مختلف فکری، حفظ و گسترش اندیشه دینی و تحقق تمدن اسلامی است.

۲-۳. تکافل اجتماعی

ساماندهی و رفع مشکلات اجتماعی، از جمله فقر و نابرابری، از دغدغه‌های مهم بیشتر مکاتب فکری و نظام‌های حکومتی است. اهمیت این مسئله در اسلام تا جایی است که قرآن هدف رسالت پیامبران را اقامه قسط و عدل، و کتاب‌های آسمانی را معیار و میزان تحقق این امر دانسته: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). تکافل اجتماعی، مجموعه‌ای از تعالیم اسلام است که درصدد ارائه راهکار برای حل مشکل معیشتی نیازمندان با همکاری متقابل خود مردم است (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۴)؛ طوری که همه افراد در پی برآوردن نیازها و انجام کارهای جامعه خود باشند و هر توانای قدرتمندی با به عهده گرفتن کارهای جامعه خویش برای نیکی رساندن به آن بشتابد (ابوزهره، ۱۹۹۱م، ص ۲۱). مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: مشکلات ما هم حقیقتاً ناشی از این است که خودمان کم‌توجهی کردیم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم، ۴۱). خود ما یک جاهایی بی‌توجهی کردیم، کم‌توجهی کردیم. «مثلاً فرض کنید به تولید اهمیت ندادیم، به سرمایه‌گذاری اهمیت ندادیم، ناگهان با شکست کارخانه‌جات یا مشکلات تولید در کشور مواجه شدیم. وقتی انسان کار نکند، نتیجه کار نکردن مشهود است. آن جاهایی که خود ما مسئولین بی‌توجهی کردیم، کم‌توجهی کردیم -در طول سال‌های مختلف البته- نتایجش این خواهد بود. اگر چنانچه این تفکر و روحیه خوداتکائی و اعتمادبه‌نفس ملّی -که امروز خوشبختانه عمومیت پیدا کرده و به خصوص در بین قشر جوان تحصیل کرده با عزم و اراده رشد پیدا کرده- و این اعتماد به نیروی داخلی در اقتصاد به همین شکل پیش برود و امیدهای واهی‌ای که گاهی انسان مشاهده می‌کند به بیرون از مرزها وجود دارد و اقتصاد کشور را شرطی می‌کند نسبت به تصمیم‌گیری بیگانگان، اگر چنانچه وجود نداشته باشد یا ضعیف بشود و اعتماد ملی افزایش پیدا کند، به نظر بنده همه این مشکلاتی که امروز در اقتصاد وجود دارد قابل رفع و برطرف کردن است. بایستی از این بنیه قوی کشور استفاده کرد. و حالا [اگر] همین مطالبی را که در بیانات آقای دکتر قالیباف بود و امثال اینها را ان‌شاءالله با شدت و جدیت و در حد امکانات و مسئولیت‌های مجلس و مجاری قانونی مجلس دنبال کنید، ان‌شاءالله مشکلات برطرف خواهد شد؛ خاطر بنده جمع است که همه این مشکلات قابل برطرف شدن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲). بدون تحقق تکافل همه‌جانبه در جامعه نه معنای امت تحقق می‌یابد و نه اسلام باقی خواهد ماند. قرآن در ۳۱ مورد با لفظ زکات و حدود، ۵۰ مورد با لفظ انفاق و ۱۰ مورد با لفظ صدق و در

مواردی، با الفاظ دیگر مانند ایتاء مال و حق المعلوم، حق المصاد و... مؤمنان را به کمک به نیازمندان فراخوانده است. در فرهنگ اسلامی، مفاهیم وقف، قرض الحسنه، ایثار مواسات، احسان، برّ، معروف، صله رحم، هدیه، اطعام، خدمت و... ناظر به این امر است. مسلمانان وظیفه دارند در کارهای پسندیده تعاون کنند؛ ولی همکاری در ظلم و ستم و اهداف باطل و اعمال نادرست، مطلقاً ممنوع است. اگر این اصل در اجتماعات اسلامی زنده شود و مردم در کارهای سازنده بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و نژادی همکاری کنند و از همکاری با افراد ستمگر و متعددی در هر گروه و طبقه، خودداری نمایند؛ بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی سامان می‌پذیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۴). در واقع، تنها با همیاری مردم است که امنیت جانی، مالی و آبرویی مسلمان تحقق می‌پذیرد (میرمعزی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). روایات اهل بیت (ع) نیز از واجبات در جامعه ایمانی را یاری‌رسانی به یکدیگر برمی‌شمارند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ زیرا هر فردی از موهبت‌های فردی و اجتماعی برخوردار است و این موهبت‌ها با تأثیر بر یکدیگر تکامل می‌یابند. در ترك وظایف اجتماعی، راهی برای برخورداری از همه قابلیت‌های آدمی وجود ندارد. امت اسلامی باید به تمام خوبی‌ها جامعه عمل ببوشاند؛ زیرا امت به مثابه پیکری واحد معرفی شده که ارتباط بین اعضای آن ارتباطی از جنس ولاء و دستگیری است. سعادت و رفاه این جامعه، مسئله مشترک تمامی آحاد آن است. از طرفی، کمک‌های مردمی، وسیله بسیار مؤثر برای پرورش و ارتقای روحی و تربیت شخص کمک‌کننده نیز هست: «مَثَلُ الَّذِي يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَعًا سَنَابِلٌ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (بقره، ۲۶۱). عمل هر انسانی، پرتویی از وجود او است و هر قدر عمل توسعه پیدا کند، وجود آن انسان در حقیقت توسعه یافته است (فرازمند، ۱۳۸۳، ص ۱۸). از این رو، رشد تکافل اجتماعی در نسل آینده، ضمن تأمین نیاز مستمندان و ریشه‌کنی فقر، ضامن طهارت روح و تکامل شخصیت افراد متکفل و اقتدار و تعالی جامعه و الگو شدن برای سایر جوامع است.

۳-۳. اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف، زدودن شکل و سطح مصرف غیراسلامی از حیات اقتصادی جامعه اسلامی است. بشر امروز به شکل فزاینده‌ای در حال مصرف همه‌چیز حتی استعداد، توانایی و دارایی‌های خود برای دستیابی به لذت‌های خیالی است. این سبک زندگی، که محصول نگرش غیردینی به انسان و کمال او است، بحران‌های زیستی، معرفتی و اخلاقی در پی داشته و او را از حقیقت خویش دور ساخته است. اصلاح سبک زندگی انسان و جلوگیری از مصرف بی‌مهابا نیازمند رجوع به دین و تطبیق الگوهای رفتاری با آموزه‌های دینی است (ایروانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱). ضرورت اصلاح الگوی مصرف از نظر اسلام دارای سه

مبنای محکم اعتقادی و اخلاقی است: اعتقاد به مالکیت حقیقی خداوند؛ اعتقاد به برادری دینی و تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت‌های مادی (محمدری‌شهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲-۱۴). از منظر رهبر انقلاب، اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از تضییع اموال جامعه از اقدامات اساسی در جهت پیشرفت کشور و تحقق عدالت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱/۱). تعالیم اسلام، تأکید و تشویق بسیاری به تولید و اعتدال و قناعت در مصرف دارد. مصرف‌گرایی مفرط در تأمین لذت‌های مادی که در قرآن با تعبیر «اتراف» یاد شده، مورد نکوهش است: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَذْمِيرًا» (اسراء، ۱۶). جامعه غیرصالح که در مسیر اصلاح گام بردارد، حق بقاء دارد؛ اما طبق سنت آفرینش، جامعه غیرصالح غیرمصلح، حق حیات برای او نیست و به زودی از میان خواهد رفت (احمدی‌فر، ۱۳۹۳، ص ۱۳). تنعم و تلذذ بی‌قید و شرط، سرچشمه انواع انحرافات است که در طبقات مرفّه جامعه‌ها به‌وجود می‌آید؛ زیرا شهوت، مانع پرداختن به ارزش‌های اصیل انسانی و درک واقعیت‌های اجتماعی شده و افراد را غرق عصیان و گناه می‌سازد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۷۸). از این‌رو، قرآن مؤمنان را از چشم دوختن به نعمات مادی، که جهت آزمایش به برخی داده شده، برحذر می‌دارد (طه، ۱۳۱). در اهمیت مدیریت مصرف از منظر روایت نیز همین بس که مدیریت معاش، هم‌ردیف تفقه در دین، و از عوامل نیل انسان به کمال حقیقت ایمان برشمرده شده است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۱، ص ۷۱۳). نظر به اینکه تحقق عدالت و رشد فرد و جامعه منوط به مصرف صحیح امکانات است و طبق سنت الهی، مصرف مترفانه، به نابودی تمدن منتج می‌شود. یکی از مهم‌ترین الزامات تربیتی جهت تمدن‌سازی نسل آینده، توجه به الگوی مصرف اسلامی می‌باشد.

۴. نتیجه‌گیری

توجه به تربیت نسل، موضوعی است که در منابع اسلامی بسیار به آن پرداخته شده، و اهل‌بیت(ع) همواره بر پرورش و تربیت صحیح نسل آینده توصیه کرده‌اند. از آنجا که تعلیم و تربیت، یکی از پایه‌های رشد و پرورش اندیشه، شخصیت، ارزش‌ها و به‌طور کلی، فرهنگ یک جامعه در مسیر مناسب و انتقال‌دهنده آنها و شکل‌دهنده زندگی و ویژگی‌های رفتاری و کنش‌های اجتماعی و اخلاقی افراد است. دیدگاه‌های مقام معظم رهبری براساس مبانی قرآنی و روایی در تربیت نسل آینده، با تأکید بر احیا و گسترش مبانی قرآنی اسلامی، متولیان آموزشی و پرورشی را از خانواده تا جامعه به احیاء و گسترش آن ملزم نموده است. هر حکومتی می‌داند که لازمه پیشرفت کشور، تحول و تقویت پایه‌های فرهنگی و فراهم نمودن بستر مناسب برای فرهنگ‌سازی مناسب و همسو با ارزش‌های مورد قبول آن جامعه است.

جامعه جهانی اسلامی نیازمند پرورش نسل تمدن‌ساز است؛ تا در سایه پرورش اسلامی، فرزندان بتوانند به تحقق آرمان اصیل فرهنگی-اسلامی نایل آیند. اولین نهاد در جامعه، خانواده است و تربیت نسل در بستر خانواده شکل می‌گیرد. مقام معظم رهبری تربیت نسل آینده را در عرصه شناختی اموری چون: اندیشه‌ورزی، هویت باعزت دینی و ملی، ایمان و تدبیر، و عرصه اخلاقی شامل: ادب، تحمل مخالف، تکافل اجتماعی، اصلاح الگوی مصرف (پرهیز از اشرافی‌گری) محقق می‌داند. هریک از این ویژگی‌ها به‌نحوی سبب اثرگذاری بر رفتار فردی و اجتماعی شده و می‌توانند جریان حق‌گرایی را در جامعه به‌وجود آورند. مقام معظم رهبری مهم‌ترین هدف ادیان الهی را هدایت و تربیت انسان‌ها برای رسیدن به کمال و قرب الهی دانسته که تنها از راه خودسازی و تربیت صحیح صورت می‌پذیرد. ایشان معتقد است در پرتو تربیت صحیح است که انسان‌های مؤمن و خودساخته پرورش یافته و به‌تبع آن، جامعه سالم در عرصه سیاسی- اجتماعی پدید می‌آید. از این منظر، نظام جمهوری اسلامی نیز که بر بنیان‌های سیاسی اسلامی بنا شده در زمینه تربیت، مسئولیت‌های مشخصی دارد و باید براساس مبانی دینی، نظام تربیتی را سامان داده و براساس زیست‌بوم دینی و فرهنگی ایران آن را اجرایی نماید.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن حمید، صالح بن عبدالله (۱۴۲۶ق). موسوعة النضرة النعيم فی مکارم أخلاق الرسول (ص). جده: دارالوسيلة، ج ۸.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۱). تحف العقول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، ج ۴، ۱۳، ۱.

ابوزهره، محمد (۱۹۹۱م). التکافل الاجتماعی فی الاسلام. قاهره: دارالفکر.

احمدی فر، مصطفی (۱۳۹۳). تربیت اقتصادی از منظر قرآن و حدیث. اندیشه‌های قرآنی، ۱(۲)، ص ۵-۳۲.

امین‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۶). فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: راه حق.

ایروانی، جواد (۱۳۸۳). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. الهیات و حقوق، شماره ۱۴، ص ۹۱-۱۲۰.

ایمانی، محسن (۱۳۸۶). تحقق و بالندگی هویت در پرتو تربیت. پیوند، شماره ۳۳۶، ص ۳۳۶-۳۳۷.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: بعثه.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج‌الفصاحه. تهران: دنیای دانش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

جبران، مسعود (۱۳۷۹). فرهنگ رائد الطلاب. تهران: کتاب.

جوادزاده، علیرضا (۱۳۸۹). هویت ملی و جریان‌های انقلاب اسلامی. معرفت سیاسی، ۲(۲)، ص ۱۸۳-۱۶۲.

حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. قم: الإمام المهدي (عج).

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۱/۱). بیانات در حرم رضوی. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/6082>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۵/۱). بیانات در دیدار با دانشجویان. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/27046>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱۲/۱۳). بیانات در دیدار با معلمان. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/32970>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. قم: ایمان جهادی.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). تفسیر سوره مجادله. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۲/۱۶). بیانات در دیدار با معلمان و فرهنگیان سراسر کشور. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/29639>

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱/۲/۲۱). بیانات در دیدار با معلمان. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/50226>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۴/۲۲). بیانات در دیدار با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/46045>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۲/۲۳). بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/23355>

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱/۲/۱۶). بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/50102>

ذوعلم، علی (۱۳۸۴). عناصر و شاخص‌های تربیت اسلامی در قرآن و کارکردهای آن در آموزش و پرورش. رشد، ۳(۷)،

ص ۴۷-۵۲.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.

- رحیمی، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی حدیث حب الوطن من الایمان. حدیث پژوهی، ۶(۱۲)، ص ۲۱۵-۲۳۸.
- شاه محمدی، احمدرضا (۱۳۹۱). تحمل‌پذیری در مقابل اندیشه‌های مخالف و کاربردهای تربیتی آن از منظر اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.
- شجاعی، نسترن (۱۳۹۷). مؤلفه‌های تربیت معنوی و کارکردهای فردی-اجتماعی آن از منظر آموزه‌های اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء(س).
- شرقی، محمدرضا (۱۳۸۵). جوان و بحران هویت. تهران: سروش.
- صدری‌فر، نبی‌الله (۱۳۹۱). شاخص‌ها و اهداف تربیتی انبیاء(ع) در قرآن. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱(۸)، ص ۱۵۷-۱۸۴.
- صفایی حائری، علی (۱۴۰۰). مسئولیت و سازندگی؛ روش تربیتی اسلام. قم: لبله القدر.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰). دینداری و بزرگاری در میان جوانان. تهران: اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسلامی، ج ۲، ۵-۶، ۲۰.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (بی‌تا). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: فراهانی، ج ۴.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی، ج ۲-۳، ۶.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۶.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۴). مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی براساس فلسفه صدر. تهران: امام صادق(ع). عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: راه رشد.
- فرازمند، بانو (۱۳۸۳). اسلام و کمک‌های مردمی. قم: نسل جوان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). العین. قم: هجرت، ج ۸، ۵.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: موسسه درس‌هایی از قرآن، ج ۳، ۱، ۸.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۵-۴.
- کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی (۱۳۹۷). مبانی تکافل اجتماعی در اسلام. معرفت، شماره ۲، ص ۲۳-۳۵.
- کاظمی، صدیقه (۱۳۹۹). واکاوی مفاهیم ادب و اخلاق در فرهنگ اسلامی و بررسی نسبت میان آن دو. پویش در علوم انسانی، شماره ۲۲، ص ۱۵-۲۸.
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۵). شاخص‌های تربیت دینی از دیدگاه پیامبر(ص). تربیت اسلامی، ۱(۱۲)، ص ۲۹۵-۳۲۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱-۲، ۸.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷). جغرافیا و سیاست در فرایند نوین. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۲، ص ۲۸-۴۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۱، ۷۲.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸). درآمدی بر الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). انسان در قرآن. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). تعلیم و تربیت در اسلام. قم: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۴ق). الامالی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمومنین(ع). قم: علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ج ۹، ۴، ۱۴، ۲۲، ۲۷.
- مهری‌نژاد، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴). تربیت از دیدگاه معصومین(ع) و قرآن کریم. تهران: آوای نور.
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۷). رقابت و تعاون در نگرش اسلامی. اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹، ص ۷-۳۴.
- نراقی، ملا محمد مهدی (۱۳۷۷). علم اخلاق اسلامی. قم: حکمت.